

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 1735-739X

دوره ۱۳، شماره ۲ (پیاپی ۶۸)، زمستان ۱۴۰۰

DOI: 10.29252/PIAJ.2022.226025.1207

صفحات: ۱۴۷-۱۷۳

ماهیت دولت پنهان در خاورمیانه: بررسی مقایسه‌ای دولت پنهان در ترکیه و مصر

رضا خراسانی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

زهرامانی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

چکیده

در علوم سیاسی بخش بزرگی از تلاش متفکرین صرف بررسی عوامل وقایع و تحلیل آن‌ها می‌شود. برای تحلیل وقایع در سیستم‌های داخلی و بین‌المللی و تعاریف کلاسیک علوم سیاسی، کنشگر اصلی داخلی و بازیگر رسمی بین‌المللی «دولت» معرفی می‌شود. یکی از مهم‌ترین مناطقی که دولت در آن نقش ویژه‌ای دارد؛ خاورمیانه است. از جمله ویژگی‌های ساخت دولت در بیشتر کشورهای غرب آسیا، وجود نهادهایی فراتر از دولت رسمی است که سهم بزرگی از قدرت را در اختیار داشته و تحولات کشورهاشان را مدیریت می‌کنند که این نهاد را دولت پنهان می‌نامند. این مقاله سعی دارد تا با ارائه مختصاتی از دولت پنهان، به شناخت بهتر از این نهاد خصوصا در خاورمیانه کمک کند. سوال اصلی مقاله این است ویژگی‌ها و ماهیت دولت پنهان در خاورمیانه چیست و آیا در همه کشورهای این منطقه یکسان است؟ مقاله با بررسی ویژگی‌های دولت پنهان به تعریفی دقیق از این مفهوم پرداخته و پنج رکن اصلی آن شامل ارتش، اقتصاد، قوه قضائیه، جامعه و فعالیت مخفیانه و سازمان یافته را در این نهاد مشخص می‌کند و این ویژگی‌ها را در خاورمیانه بررسی خواهد کرد. در نهایت دو کشور ترکیه و مصر به عنوان نمونه‌هایی از دولت پنهان بررسی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: دولت پنهان، ارتش، خاورمیانه، مصر، ترکیه.

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول). reza.khorasanie@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران. Zahraamani.h@gmail.com

مقدمہ

از ابتدای شکل‌گیری جوامع بشری تا کنون، نهاد دولت از مدل تاریخی آن گرفته تا اشکال امروزی، بی‌شک یکی از مهم‌ترین بازیگرانی است که در اکثر وقایع مربوط به حوزه علوم سیاسی بخش بزرگی از تلاش و اندیشه‌ورزی متفکرین را صرف خود کرده و خواهد کرد. یکی از مهم‌ترین مناطقی که دولت در آن نقش ویژه و مختصات متفاوتی از اغلب دولت‌های نظام بین‌الملل دارد، خاورمیانه است. از جمله ویژگی‌های ساخت دولت در بیشتر کشورهای غرب آسیا، وجود نهادهایی فراتر از دولت رسمی است که سهم بزرگی از قدرت را در اختیار داشته و تحولات کشورہایشان را مدیریت می‌کنند که این نهاد را در اصطلاح دولت پنهان یا عمیق می‌نامند.

به طور کلی دولت پنهان مفهومی است که در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مورد غفلت بسیاری قرار گرفته و بیش از این که اصطلاحی علمی برای بررسی ماهیت دولت‌ها، تصمیمات و نحوه برخورد آن‌ها با وقایع داخلی و خارجی باشد، اصطلاحی ژورنالیستی برای تحلیل حوادث مختلف به شمار می‌رود. در نگاه کلی دولت پنهان نه به جغرافیای خاصی تعلق دارد و نه تنها در مدل خاصی از نظام‌ها رشد می‌کند؛ بلکه به صورت بسیار منعطف با هر نظام و شرایطی می‌تواند خود را وفق داده و در صورت وجود شرایط مناسب رشد کند و همین مسئله دامنه حضور چنین پدیده‌ای را از ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی تا دولت‌های دیکتاتوری غرب آسیا گسترده کرده است.

در این مقاله کوشش می‌گردد تا مفهومی از ماهیت و تعریفی از اصطلاح دولت پنهان را ارائه داده شود. سپس نهاد دولت پنهان را در خاورمیانه بررسی شده و دو نمونه از این مدل دولت در مصر و ترکیه شرح داده می‌شود تا ابعاد مختلف این نوع از دولت در دو کشور متفاوت که هر کدام دارای فرهنگ و سابقه تاریخی خاص و ساختار سیاسی متفاوت هستند به طور دقیق‌تر بررسی گردد. سوال اصلی مقاله این است که دولت پنهان چیست و ویژگی‌ها و ماهیت آن در خاورمیانه به چه صورت است؟

مقاله با بررسی عناصر مشترک موجود در دولت‌های پنهان شناخته شده در جهان، سعی دارد تا چارچوبی مشخص برای تبیین ویژگی‌های اصلی و شروط لازم برای ایجاد دولت پنهان ارائه دهد تا تشخیص و بررسی دولت پنهان، آسان‌تر شود. زیرا دولت پنهان همانطور که از نام آن مشخص است؛ پدیده‌ای پنهان و مخفی است و در نتیجه گام اول تحلیلگران برای بررسی عنصر دولت پنهان به عنوان یک متغیر در بررسی کشورها این است که به درستی بتوانند وجود دولت

پنهان و بازوهای آن را در کشور مدنظر تشخیص داده تا در قدم‌های بعدی و تحلیل نهایی دچار اشتباه نگردند. فرضیه اصلی پژوهش این است که دولت پنهان دارای گستره‌ای اقتصادی و سیاسی است که نظامیان در آن نقش و جایگاه بالایی دارند و به نظر می‌رسد دولت پنهان در خاورمیانه تنها در کشورهایی رشد می‌کند که جامعه‌ای مدنی (و نه قبیلگی) داشته‌اند.

پیشینه پژوهش

دولت پنهان مفهومی مغفول مانده است و تعداد اندکی کتاب و مقاله در این رابطه نوشته شده است. نویسندگان این کتاب‌ها نیز اغلب در عرصه خبرنگاری و ژورنالیستی فعالیت دارند. یکی از مشکلات همین اندک منابع موجود علمی در مورد دولت پنهان، این است که منابع مذکور، مفهوم دولت پنهان را به عنوان پیش فرض و متغییری برای بررسی تحولات مدنظرشان قرار داده‌اند و توجه به ماهیت اصطلاح «دولت پنهان»^۱ و تعریفی دقیق از این مفهوم در بین این آثار نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

مهم‌ترین کتابی که در مورد دولت پنهان و ماهیت آن با تمرکز بر ترکیه بحث کرده است کتاب انگلیسی «دولت پنهان ترکی» است. در این کتاب به خوبی ماهیت و ویژگی‌های دولت پنهان در این کشور توضیح داده شده است. اما بررسی این کتاب تنها به ماهیت دولت پنهان در ترکیه پرداخته است و سعی در ارائه مختصات اصلی دولت پنهان ندارد. در منابع فارسی، تنها مقاله موجود در مورد دولت پنهان مقاله‌ای با نام «دولت پنهان نظامیان و کودتای جامعه مدنی در مصر، با تاکید بر تحولات سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵»^۲ است که به طور کوتاه و مختصر به مفهوم دولت پنهان و تئوری‌های موجود در این رابطه پرداخته است و نمونه‌ی مصری آن را بررسی می‌کند.

دولت پنهان؛ یک چارچوب مفهومی

دولت پنهان^۲، دولت عمیق، دولت موازی^۳، دولت در سایه^۴، دولت دوگانه^۵، دولت در دولت^۶

1. Deep State
2. Deep State
3. Parallel State
4. Shadow State or Shadow Governance
5. Dual State
6. State within the state

و... همه نام‌هایی است که اگرچه در معنا کمی با یکدیگر اختلاف دارند، اما به نهادی اشاره می‌کنند که در پشت دولت رسمی اداره امور کشور را در دست دارد و در فعالیت‌های آن تاثیرگذار است. این واژه ابتدا برای نهادهایی استفاده می‌شد که در کشورهای توسعه یافته در دولت نفوذ داشته و در حقیقت گردانندگان اصلی سیاست در این کشورها به حساب می‌آمدند. برای مثال یکی از مهم‌ترین کشورهای که اندیشمندان سیاسی معتقد هستند که دولت پنهان در آن وجود دارد، ایالات متحده آمریکا است. البته لازم به ذکر است که منشا و ریشه این اصطلاح را باید در متون ژورنالی و تحلیل‌های روزنامه‌نگاران که در مورد حوادث مختلف نوشته شده است؛ جستجو کرد. دو نفر از ژورنالیست‌های معروف آمریکایی در کتاب خود به نام «آمریکای فوق محرمانه»^۱ در مورد ماهیت دولت آمریکا و نفوذ گروه‌های مختلف در دوران او‌باما می‌نویسند:

«با توجه به نحوه پاسخ روسای پیشین آمریکا به حادثه ۱۱ سپتامبر، او‌باما میراث‌دار دو دولت بود: یک دولت که برای شهروندان آشنا بود و کم و بیش به طور علنی فعالیت می‌کرد و دولت موازی و فوق محرمانه‌ی دیگری که با رشد سریع و قارچ‌گونه‌اش در عرض یک دهه تبدیل به غولی بزرگ شده که درصدد افزایش دامنه‌ی خود بود و این دولت تنها برای کسانی که به دقت اوضاع را زیر نظر دارند و یا به قول رئیس پنتاگون جیمز کلپر^۲ تنها برای خدا قابل مشاهده است» (Priest & Arkin, 2011: 59).

به هر حال اگرچه برخی از اندیشمندان بحث دولت پنهان را در زمره تئوری‌های توطئه قرار می‌دهند، اما چه در کشورهای توسعه یافته غربی و چه در کشورهای کمتر توسعه یافته خاورمیانه و آمریکای لاتین، می‌توان نشانه‌هایی از وجود چنین نهادی را مشاهده کرد و طرفداران دولت پنهان دلایل محکمی برای دفاع از نظریه خود در برابر منتقدان دارند. در حقیقت دولت پنهان موضوعی نیست که به تازگی به وجود آمده باشد و یا به آن پرداخت شده باشد. حتی از اواسط قرن بیستم نیز می‌توان ردپایی از دولت پنهان را مشاهده کرد. برای مثال اسکات به هنری فایرلی^۳ ژورنالیست معروف انگلیسی و رایت میلز^۴ جامعه‌شناس

1. Top Secret America
2. James Clapper
3. Henry Fairlie
4. Wright Mills

آمریکایی در مصاحبه‌ها و کتب خود به عناصری از دولت پنهان اشاره می‌کنند. فایرلی در یکی از مصاحبه‌های خود به وجود نهادی مشابه به دولت پنهان در انگلستان اذعان می‌کند. همچنین میلز در سال ۱۹۵۸ در مورد دولت آمریکا بیان می‌کند که آن چه زمانی به عنوان «دولت نامرئی» نامیده می‌شد اکنون به بخشی از دولتی کاملاً مرئی بدل شده است (Scott, 2015: 24).

مایک لوفگرن^۱ یکی دیگر از پژوهشگرانی است که در مورد دولت پنهان در آمریکا به بحث پرداخته است. وی دولت رسمی آمریکا را قله یک کوه یخی می‌داند که به ظاهر توسط انتخابات هدایت می‌شود، اما در حقیقت قسمت مخفی این کوه یخی به هر سمتی که تمایل دارد حرکت کرده و برای آن مهم نیست چه کسی به صورت رسمی قدرت را در اختیار دارد. وی دولت پنهان را ترکیبی از نهادهای مربوط به امنیتی ملی و نهادهای مجری قانون^۲ و بخش‌هایی از وزارت خانه‌های دفاع، خارجه، امنیت داخلی، دادگستری، خزانه‌داری، سازمان سیا، مجموعه‌های نظامی - صنعتی و وال استریت می‌داند که رابط تمامی این سازمان‌ها با دفتر اجرایی رئیس‌جمهور، شورای امنیت ملی است (Lofgren, 2016).

با جمع‌بندی از متون مربوط به دولت پنهان می‌توان گفت که آغاز دولت پنهان در هر کشور از زمانی شروع می‌شود که به علتی نیروهای نظامی حوزه فعالیت خود را گسترش داده و در نهادهای تصمیم‌ساز، قدرت برتر را چه به صورت علنی و چه به صورت مخفیانه به دست آورد. البته لازم به ذکر است که ورود هر فرد نظامی به عرصه اجرایی الزاماً به معنای شروع دولت پنهان نیست. بلکه این فرآیند باید ویژگی‌هایی را داشته باشد تا بتوان آن را دولت پنهان نامید. اول این که فرد نظامی یا وابسته به این نهاد که در دولت پنهان روی کار می‌آید باید ریشه‌های عمیق خود در ارتش را حفظ نماید. اما بر عکس این موضوع، اگر فردی نظامی در زمانی که تصمیم به ورود به عرصه اجرایی کشور بگیرد ارتباطات خود را بخش نظامی را کاملاً قطع کرده و یا تا حدی کاهش دهد که دیگر بخش نظامی جنبه تاثیرگذاری خود را بر این فرد از دست بدهد در آن زمان دولت پنهان شکل نخواهد گرفت.

دومین و مهم‌ترین خصوصیت به سیاست‌های فرد نظامی باز می‌گردد. یکی از ویژگی‌های ماهیت دولت پنهان این است که این دولت تمامی سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم خواهد کرد که منافع خود را بیشینه سازد و یکی از سنگ‌های محک تشخیص دولت پنهان در کشورها

1. Mike Lofgren

2. law enforcement

نیز همین است. لذا تنها در صورتی که فردی نظامی و یا وابسته به آن در عرصه اجرایی وارد شود و سیاست‌های خود به‌گونه‌ای تنظیم کند که ارتش و سایر نهادهای وابسته به آن بیشترین سود را از این سیاست‌ها ببرند، دولت پنهان شکل گرفته است و بالعکس اگر فرد نظامی قدرت گرفته سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که یک دولت عادی و حامی مردم نیز چنین سیاست‌هایی را پی بگیرد؛ در این زمان عملاً دولت به وجود آمده دولت پنهان نخواهد بود.

سومین و آخرین ویژگی این است که فرد نظامی و یا وابسته به آن که به عرصه اجرایی وارد شده باید همه و یا اغلب مناصب مهم را در بین سایر نیروهای نظامی و یا بخش‌های دیگر دولت پنهان تقسیم نماید و بر آن‌ها کنترل‌های شدیدی را اعمال نماید. این مسئله در نمونه‌های دولت پنهان موجود صادق است. در مجموع این که در بحث ورود افراد نظامی به عرصه مدیریتی و مدنی، به نظر می‌رسد باید هر سه ویژگی گفته شده در فرد منتخب و دولتش وجود داشته باشد تا بتوان آن دولت را دولت پنهان نامید و از این منظر مدل‌های مختلف دولت پنهان با یکدیگر تفاوتی ندارند.

به غیر از موارد ذکر شده می‌توان گفت مهم‌ترین نشانه در مورد وجود دولت پنهان در کشورها سیطره و قدرت بیش از اندازه نظامیان و بخش‌های اطلاعاتی و امنیتی بر عرصه‌ی سیاسی است. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه‌ای و یا حتی کشورهای غربی که در آن‌ها وجود دولت پنهان مورد بررسی قرار گرفته است؛ نهاد نظامی قدرت تاثیرگذاری بسیاری دارد. اگرچه ماهیت ارتش و نهادهای اطلاعاتی نیازمند اشراف اطلاعاتی در مورد مسائل خارجی و از آن مهم‌تر اشراف داخلی به اطلاعات و مناسبات درون سیستم است، اما اگر آن‌ها به نهادی تصمیم‌ساز در عرصه‌های سیاسی که خارج از ماهیت عرفی آن‌ها است تبدیل شوند؛ شرط کافی برای ایجاد دولت پنهان را فراهم کرده‌اند.

این قدرت برای نظامیان از راه‌های متعددی فراهم می‌شود. در دولت‌های غربی اکثراً این قدرت از طریق وابستگی سیاستمداران و حتی بخش‌هایی از دولت به سرمایه‌ای است که از طریق نظامیان و خصوصاً کارخانجات اسلحه‌سازی تامین می‌شود. این سرمایه‌ها به بخش نظامی که شامل ارتش، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و... است اجازه می‌دهد تا با اهرم اقتصادی در تصمیمات سیاسی دخالت کنند. همچنین این نهادها از اهرم‌های اطلاعاتی نیز برای پیشبرد خود استفاده می‌کنند. برای مثال دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در سیاست خارجی دخالت گسترده داشته و حتی با فاش کردن اسرار سیاستمداران بزرگ می‌توانند زمینه‌ی سقوط آن‌ها را

فراهم کنند. در کنار ویژگی‌های گفته شده، با بررسی دولت پنهان با هر اسم و لفظی (دولت در سایه، دولت پنهان، دولت موازی و...) در کشورهای مختلف می‌توان چند نکته مشترک میان تمام این نام‌ها را مشاهده کرد و از آن‌ها برای تعریف اصطلاح دولت پنهان بهره گرفت:

نقش بخش نظامی کشور: در تمام تعاریف از دولت پنهان و مثال‌هایی که برای این نوع از دولت می‌زنند؛ نهاد نظامی نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد که شامل یک بخش یا تمامی نیروهای مسلح از جمله ارتش، دستگاه‌های امنیتی، پلیس و... می‌شود. این نقش چه به صورت مستقیم از طریق دخالت‌های آشکار مانند کودتا و چه از طرق غیرمستقیم مانند نفوذ افرادی که سابقاً ارتشی بودند در قوای مجریه و مقننه قابل مشاهده است. در این قسمت باید اشاره کرد که بین کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته تفاوتی وجود دارد. در کشورهایی که دولت پنهان دارند؛ هر چه میزان توسعه یافتگی بالاتر باشد؛ نهادهای نظامی کمتر نقش داشته و نهاد اقتصادی نقش بالاتر و مستقل‌تری دارد. در آن سوی طیف هر چه میزان توسعه یافتگی کمتر باشد؛ نهاد نظامی به صورت علنی‌تر و قدرتمندتر دولت پنهان را هدایت خواهد کرد.

نقش اقتصاد: ویژگی مشترک دیگر در اسامی و تعاریف مختلف دولت پنهان، سیطره دولت پنهان بر اقتصاد است. در واقع یکی از اهداف دولت پنهان پیگیری منافعش است که خارج از منافع ملی تعریف شده و جنبه اقتصادی بسیار پررنگی نیز دارد. تقریباً در تمام کشورهایی که دولت پنهان را در اختیار دارند؛ اقتصاد در کنار ارتش و نیروهای نظامی یکی از ستون‌های اصلی دولت پنهان به حساب می‌آید. لازم به ذکر است در این بخش نیز میان دولت پنهان در کشورهای توسعه یافته مانند آمریکا و کشورهای کمتر توسعه یافته مانند نمونه‌های خاورمیانه‌ای تفاوتی وجود دارد. به‌طور خلاصه تفاوت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در بخش اقتصاد این است که در کشورهای توسعه یافته، اقتصاد شامل شرکت‌ها، کارتل‌های بزرگ و حتی گروه‌های غیرقانونی بیشتر یک بازیگر مستقل هستند که مستقیماً بر روی دولت پنهان اثر دارند اما در کشورهای کمتر توسعه یافته این نهاد اغلب به صورت متغیر وابسته و در نقش ابزاری در دست سایر ارکان دولت پنهان نقش‌آفرینی می‌کند.

نقش نهادهای قضایی و نظارتی: دولت پنهان هیچگاه نمی‌تواند در سایه یک نهاد قضایی و نظارتی قوی و سالم رشد کند، زیرا که یکی از وظایف سازمان‌های نظارتی جلوگیری از فعالیت چنین نهادهایی است. لذا سومین پایه دولت پنهان بر نهادهای قضایی ضعیف و یا فاسد

است که چشم خود را بر روی اقدامات آن بسته و حتی در مواقع لازم راه را برای دولت پنهان باز می‌کنند.

نقش جامعه: در شناخت دولت پنهان باید این مسئله را مورد نظر داشت که نمی‌توان این نهاد را بدون پایگاه اجتماعی تصور کرد. دولت پنهان در حقیقت ریشه‌های خود را در جامعه می‌دواند و به همین علت است که جدا کردن آن از بخش‌های سالم دولتی و همچنین از افکار عمومی کار بسیار مشکلی است. نهاد دولت پنهان به دو صورت پایگاه‌های اجتماعی خود را در جامعه گسترش می‌دهد. اولین راه درگیر کردن مستقیم منافع بخشی از طبقات در منافع دولت پنهان است. در این راه دولت پنهان به طور مستقیم بخشی از جامعه را درگیر و وابسته خود می‌کند. البته لازم به ذکر است که این یک اتفاق طبیعی است، زیرا اعضای دولت پنهان به هر حال، دارای خانواده و طبقه‌ای اجتماعی هستند که از این مزایای عضویت در نهاد در زندگی خود از طرق مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی ایدئولوژیک بهره می‌برند و زمانی که دولت پنهان به عنوان تامین‌کننده‌ی این منافع و امکانات به خطر بیافتد، مطمئناً واکنش نشان خواهند داد.

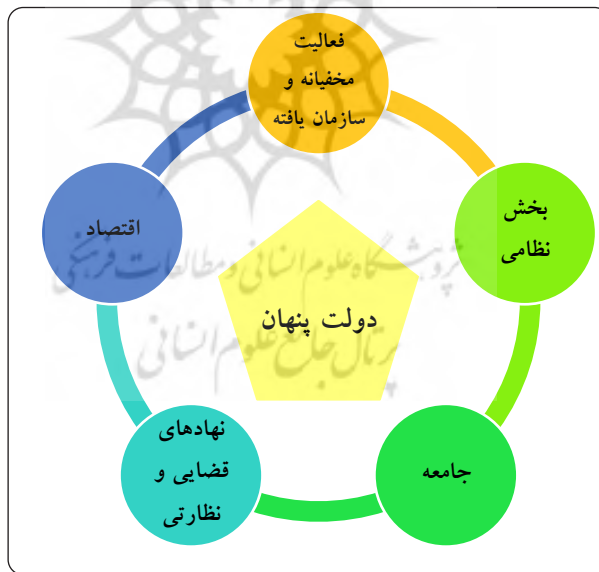
راه دوم برای نفوذ در لایه‌های اجتماعی نفوذ در طبقاتی است که به صورت مستقیم درگیر دولت پنهان نیستند. در اصل یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت پنهان تبلیغات مثبت به نفع خود در میان طبقاتی است که به طور مستقیم از دولت پنهان سود نمی‌برند. بر این اساس، ارتش سعی می‌کند از طریق تبلیغات اقدامات و حکمرانی‌های پنهانی که دولت پنهان را تشکیل می‌دهند؛ مشروع و کارآمد نشان داده دهد تا جامعه زمینه لازم برای پذیرش این نهاد را به دست آورد. علاوه بر این، طبقات دیگر جامعه نیز سعی می‌کنند برای رسیدن به امکانات و منافع که در اختیار اعضای دولت پنهان است؛ خود را وارد چنین نهادهایی کنند و اگر در این راه موفق شوند به طور مستقیم به دولت پنهان راه یافته و به طبقه‌ی اول وارد خواهند شد.

دولت مخفی و سازمان یافته: دولت پنهان لزوماً به نهادهایی گفته می‌شود که به طور پنهانی و یا غیررسمی قدرت را در اختیار دارند. لذا باید در این زمینه بین دولت‌های دیکتاتوری یا نظامی و دولت پنهان تمایز قائل شد. در واقع بخش بزرگی از اهداف، سازمان، برنامه‌ها و اقدامات دولت پنهان به صورت غیرعلنی و پنهان است. برای مثال دولت قذافی در لیبی یک دولت نظامی تلقی می‌شد، اما ساختار دولت او به صورتی نبود که بتوان آن را دولت پنهان نامید. مهم‌ترین حلقه گمشده برای تشکیل دولت پنهان در لیبی فقدان جامعه مدنی و سبک قبیلگی نظام سیاسی و اجتماعی بود.

بدون وجود جامعه‌ای دارای قرارداد اجتماعی (حتی به صورت ناقص)، منسجم و مدنی و همچنین ساختار سیاسی پیچیده و مدرن نمی‌توان ادعا کرد که دولت پنهان وجود داشته باشد و به همین علت با کشته شدن قذافی در لیبی شیرازه تمام نهادهای موجود در کشور از هم پاشید. در صورتی که در مصر و تونس چنین نشد، زیرا که در این کشورها تنها یک نفر متولی کشور نبود و ساختار سیاسی دارای پیچیدگی و بروکراسی گسترده بود. در نتیجه دولت پنهان توانست با جابه‌جایی چند مهره دوباره به حیات خود ادامه دهد.

در نهایت با توجه به توضیحاتی که ارائه شد دولت پنهان را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «دولت پنهان متشکل از نهادهایی است که به صورت مخفی، غیرعلنی و موثر در تصمیمات دولت رسمی دخالت کرده و یا آن را در اختیار دارند، سه نهاد نظامی، اقتصادی و قضایی اصلی‌ترین ارکان این دولتند و ریشه‌های این نهادها در جامعه نیز نفوذ دارند». بنابراین می‌توان ارکان دولت پنهان را اینگونه نشان داد:

نمودار ارکان دولت پنهان



تحول و تطور دولت پنهان در خاورمیانه

قبل از فروپاشی امپراتوری‌های بزرگ منطقه، تقریباً کل خاورمیانه در دو امپراتوری عثمانی

و صفوی (و یا قاجاری) خلاصه شده بود. رفته رفته با ضعف دو امپراتوری، مناطق مرزی و حاشیه‌ای آن‌ها به وسیله‌ی جنگ و یا اعلام استقلال از سرزمین اصلی امپراتوری جدا شدند. البته در مقایسه میان سرنوشت سرزمین‌های امپراتوری عثمانی و صفوی، ایران وضعیت بهتری را تجربه کرد و حداقل توانست مرکزیت قلمرو خود را با نام ایران و بدون تغییرات سرزمینی و ساختاری (مانند آنچه پایتخت عثمانی یعنی محدوده ترکیه امروزی تجربه کرد) نگه دارد.

پس از بین رفتن امپراتوری عثمانی و قاجاری، دوران استعمار در منطقه آغاز شد. مناطق خاورمیانه چه به صورت رسمی و چه غیررسمی بین انگلیس و فرانسه (ایران و کشورهای عربی منطقه) و روسیه (مناطق شمالی ایران) تقسیم شدند. پس از تصمیم انگلیس و فرانسه برای ایجاد دولت‌های جدید در منطقه، آن‌ها کشورها را به دو دسته تقسیم کردند: دسته اول کشورهایی بودند که ساختار قبیله‌ای هنوز در آن وجود داشت. یعنی بخش زیادی از جامعه هنوز به شهرنشینی روی نیاورده و این قبایل بودند که ساختار اجتماعی و سیاسی را نمایندگی می‌کردند. در چنین کشورهایی دولت‌های غربی تمرکز خود را بر ارتباط با قبیله‌هایی که بیشترین قدرت (شامل نفوذ سیاسی، جمعیت، سلاح، مالکیت مناطق استراتژیک و...) را دارا بودند گذاشتند. برای مثال می‌توان به تاریخ تشکیل دولت عربستان سعودی اشاره کرد. دسته دوم از کشورهای خاورمیانه کشورهایی بودند که در آن‌ها ساختار قبیله‌ای غالب نبود، بلکه چیزی شبیه به آن چه در ادبیات غرب «ملت» نامیده می‌شود، جامعه‌ی این کشورها را تشکیل می‌داد. در این کشورها گروه‌های سیاسی جدید مانند احزاب و... وجود داشتند، اما هنوز هیچ کدام آن مقدار توانایی و قدرت را در اختیار نداشتند که بتوانند ساختارهای جدید دولت مدرن را در کشورشان ایجاد کرده و مخالفان این ساختارهای مدرن را از میان بردارند. لذا بهترین گزینه دولت سازی برای کشورهای خارجی ارتش‌ها بودند. زیرا که آن‌ها اختیار استفاده از نیروی قهرآمیز را داشته، مردم به واسطه تامین امنیت به آن‌ها نیاز داشتند و آن‌ها تنها گروه منظم و سازمان یافته‌ای بودند که تقریباً در تمام سرزمین کشورهایشان شبکه‌ای کارآمد داشتند.

نمونه‌ی این مدل در ایران و ترکیه به وضوح قابل مشاهده است و دولت آتاتورک و رضاخان نمادهایی برای ایجاد دولت مدرن هستند که ارتش نیز برای آن‌ها ستون اصلی بنای حکومت به شمار می‌آمد. در سایر کشورهای پادشاهی مانند مصر، سوریه، لیبی، عراق و... که

در ابتدا دارای نظام پادشاهی بودند، این نظام‌ها دوام چندانی نداشته و ارتش دولت‌های پادشاهی را کنار زد و نظام جمهوری در این کشورها به وجود آمد. می‌توان گفت که نقطه حرکت فرآیند کشورسازی در خاورمیانه به دهه ۱۹۲۰ باز می‌گردد (کامروا، ۱۳۹۱: ۵۶). کامروا معتقد است که در ابتدای شکل‌گیری خاورمیانه به صورت امروزی، سه دسته بازیگر در عرصه سیاسی خاورمیانه وجود داشتند: دو قدرت بزرگ اروپایی شامل فرانسه و انگلیس و بازیگران و افراد شاخص محلی مانند آتاتورک در ترکیه، رضا پهلوی در ایران، محمد پنجم در مراکش، حبیب بورقیبه در تونس و خاندان سعود در عربستان و خاندان هاشمی در اردن (کامروا، ۱۳۹۱).

بنابراین تاسیس کشورهای جدید در خاورمیانه، نه بر اساس ملت و خواست آن، بلکه بر محور افراد شاخص و یا گروه‌ها و اقوامی بود که انگلیس و فرانسه از آن‌ها حمایت می‌کردند. لذا بر خلاف پیش‌زمینه‌ی لازم برای ساخت دولت‌های دموکراتیک که در آن‌ها اول ملت شکل گرفت و سپس دولت، به جز ایران که مردمش هویت «ایرانی» داشتند، در ساخت‌های سیاسی جدید اول دولت و کشور ساخته شد و سپس سعی شد تا مردمی که در مرزهای جدید قرار داشتند را به عنوان یک ملت متحد کنند. مسئله‌ای که باعث شده است تا برخی از این کشورها مانند عراق دچار بحران‌های قومی و مذهبی بشوند که هنوز حل نشده باقی مانده است.

دیوید والدنر^۱ در کتاب «دولت‌سازی و توسعه دیرهنگام»^۲ با نگاهی اقتصادی و توسعه‌ای به حضور نهادهای غیرطبیعی یا همان دولت پنهان، سرچشمه و عامل اصلی پیدایش این نهاد را در خاورمیانه به شکل زیر بیان می‌کند. وی در مقایسه میان کشورهایمانند کره جنوبی و یا تایوان که به سرعت توسعه یافتند با کشورهایی مانند سوریه و ترکیه که توسعه آهسته و دیرتری را تجربه کردند؛ اعتقاد دارد در ابتدای تشکیل دولت‌های ترکیه و سوریه به علت ضعف نخبگان در تشکیل یک دولت قوی، آن‌ها امتیازات خاصی را به یک سری از گروه‌های داخلی اعطا می‌کردند تا وفاداری و مشروعیت لازم برای دوام و پایداری دولت را از آن‌ها بخرند.

این گروه‌ها اگرچه از بسیاری ابعاد برای دولت‌های موجود هزینه داشتند، اما به علت نیاز دولت برای تامین مشروعیت و قدرت، حفظ شدند. از نظر والدنر پس از مدتی رهبران

1. David Waldner

2. State Building and Late Development

دولت‌ها در قفس چنین نهاد‌های زندانی می‌شوند (Waldner, 1999). به گونه‌ای که در ابتدا دولت‌ها برای حیانتشان گروه‌هایی را وارد حوزه خود کردند، رفته‌رفته به آن‌ها وابسته و حتی بعد از مدتی از این نهادها ضعیف‌تر شدند و در نتیجه برای ادامه کار خود مجبور به اطاعت از آن‌ها بودند.

نمودار سیر تحول نظام‌های سیاسی خاورمیانه در عصر معاصر



تقریباً همه‌ی پژوهشگران بر این مسئله اجماع دارند که توجه به مفهوم دولت پنهان در خاورمیانه، به‌طور مشخص و سازمان‌یافته از واقعه رسوایی سوسورلوک^۱ آغاز شد. اما دولت پنهان تنها به ترکیه محدود نبود. اگرچه در چند دهه گذشته دولت پنهان به این شکل خود را نشان نداد، اما نشانه‌هایی از این نهاد وجود دارد که اثبات می‌کند دولت پنهان در سایر کشورهای عربی و خاورمیانه‌ای تقریباً هم‌سن با دولت پنهان در ترکیه هستند. قضیه سوسورلوک مربوط به تصادف یک مرسدس بنز با یک کامیون در شهر سوسورلوک ترکیه است. این حادثه در سوم نوامبر سال ۱۹۹۶ و در زمانی اتفاق افتاد که تنش بین کردها و دولت ترکیه در اوج خود قرار داشت.

در این تصادف سه نفر از سرنشینان ماشین بنز یعنی حسین کواکاداج^۲ (افسر پلیس عالی‌رتبه که مقام آن برابر مقام رئیس دانشکده پلیس استانبول بود)، عبدالله جاتلی^۳ (نفر دوم گروه تروریستی گرگ‌های خاکستری، از خلافکاران و گانگسترهای قاچاقچی بسیار معروف ترکیه که در لیست قرمز اینترپل قرار داشت) و غنچه یوس^۴ (یکی از ملکه‌های زیبایی ترکیه و

1. Susurluk scandal
2. Huseyin Kocadag
3. Abdullah Catli
4. Gonca Us

همراه جاتلی) جان باختند و سادات بوکاک^۱ (رهبر گروه‌های شبه نظامی کرد علیه پ. ک. ک، یکی از نمایندگان مجلس، عضو و نماینده حزب محافظه‌کار «راه درست»^۲ در مجلس ترکیه) تنها کسی بود که توانست از این سانحه جان سالم به در برد.

ترکیب سرنشینان این ماشین به نمادی تبدیل شد و نشان‌دهنده تعامل پنهان میان بازیگرانی بود که در ظاهر هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتند. به طور مشخص سرنشینان این ماشین شاهدی برای این مسئله بودند که علی‌رغم عرصه آشکار سیاسی ترکیه، در این کشور بین سیاستمداران، پلیس و نظامیان و مجرمان بزرگ و قدرتمند و یا در واقع بین عناصر دولت پنهان رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. در نهایت با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان ویژگی دولت پنهان در خاورمیانه را چنین ترسیم کرد:

الف) دخالت مؤثر بخش نظامی: نظامیان را می‌توان تاثیرگذارترین بازیگر رسمی در

کشورهای خاورمیانه‌ای دانست. حال چه آن‌ها به صورت مستقیم قدرت سیاسی را در دست داشته باشند و چه به صورت غیرمستقیم در امور حساس و سرنوشت‌ساز سیاسی کشور اعمال نفوذ کنند. در صورتی که به تاریخ سیاسی هر یک از کشورهای غیر پادشاهی در خاورمیانه نگاه شود، می‌توان در همه‌ی آن‌ها یک فرد نظامی را یافت که توانسته عرصه سیاسی را به شکلی عمیق و بنیادی تحت تاثیر قرار دهد. در کشورهای پادشاهی - قبیله‌ای مانند عربستان نیز آن طایفه و قبیله‌ای در عرصه سیاسی پیروز میدان شده است که از نظر نظامی از دیگران قدرتمندتر بوده است.

ب) نقش اقتصاد: همانطور که در تمام عرصه‌ها دولت در اغلب کشورهای خاورمیانه‌ای

دارای نوعی انحصار بر منابع و سرمایه‌های کشور است، دولت پنهان در کشورهای خاورمیانه‌ای نیز منابع و اقتصاد را در دست دارند. در کشورهای منطقه برخلاف کشورهای غربی، اقتصاد در خدمت دولت پنهان است و خود به تنهایی بازیگری مستقل نیست.

ج) نهادهای قضایی و نظارتی ضعیف و فاسد: شاید بتوان در کشورهای خاورمیانه‌ای

نهادهای قضایی را ضعیف‌ترین نهاد و دستگاه دانست. فقر و فساد شدید اقتصادی، فرهنگ قانون‌گریزی جامعه، عدم وجود اجماع میان مردم و نخبگان برای مشروعیت بخشی به

1. Sedat Bucak

۲. conservative Party of the True Path (DYP) - این حزب در آن زمان وزارت کشور و پلیس را در کنترل داشت و معاون نخست وزیر نیز یکی از اعضای آن بود.

قوانین، عدم مقبولیت و لذا عدم اطاعت‌پذیری از قوانین و مقررات در جامعه، وجود شکاف بسیار زیاد قدرت و منابع میان برخی از نهادهای قدرتمند سیاسی و اقتصادی و نهادهای قضایی و نظارتی، بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به رعایت قوانین به علت درگیری دولت با مشکلات بسیار وخیم‌تر و حیاتی‌تر و... همگی باعث شدند تا نهاد قضایی نتواند جایگاه مناسب خود را در میان ساختار سیاسی اغلب کشورهای خاورمیانه‌ای پیدا کند.

د) جامعه: همانطور که اشاره شد ارتش به عنوان نماد دولت پنهان در میان مردم کشورهای خاورمیانه‌ای نفوذ و مقبولیت فراوانی دارد. این رابطه در طی یک چرخه معیوب بازتولید می‌شود:

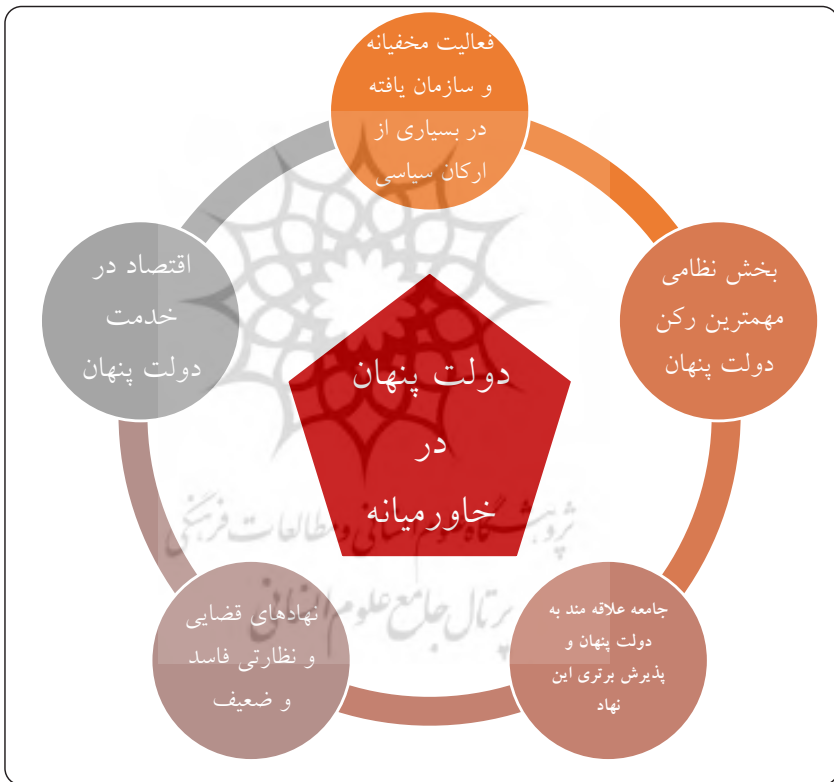
نمودار چرخه بازتولید قدرت ارتش در کشورهای خاورمیانه



ه) ماهیت مخفی و سازمان یافته دولت: دولت پنهان در خاورمیانه مانند سایر نقاط جهان دارای هویتی مخفی و سازمان یافته است. همانطور که در قضیه سوسورلوک بیان شد تا زمانی که آن حادثه رانندگی رخ نداده بود؛ کسی به طور مستدل نمی‌توانست رابطه‌ی

عمیق میان نهادهای سیاسی، نظامی و قضایی را اثبات کند. در کشورهای دیگر نیز دولت پنهان تنها زمانی ریشه‌های خود را نشان می‌دهد که دچار بحران یا خطری شده باشد. برای مثال شیخ ازهر یکی از نمونه‌های این موضوع است. در زمان حکومت مبارک شاید در ظاهر وی مستقل و در مواردی سطحی طرفدار دولت به حساب می‌آمد، اما وی چهره اصلی خود را در زمانی نشان داد که در انقلاب سال ۲۰۱۱ به حرمت شورش علیه حاکم وقت (حسنی مبارک) فتوا داد و در زمان کودتای سال ۲۰۱۳ نیز تمام قد از ارتش حمایت کرد.

نمودار ارکان دولت پنهان در خاورمیانه



دولت پنهان در ترکیه

مانند بسیاری دیگر از نمونه‌های دولت پنهان، مهم‌ترین بخش دولت پنهان در ترکیه ارتش است. علت نقش کلیدی این نهاد در دولت پنهان ریشه در زمان تاسیس ترکیه دارد. موسس

و پدرکشور ترکیه معاصر، مصطفی کمال پاشا، که نام خود را به کمال آتاتورک تغییر داد، یک نظامی و برخاسته از نهاد ارتش بود و ارتشی بودن را می‌توان در رفتار سیاسی وی به وضوح مشاهده کرد. آتاتورک نه تنها ساختار سیاسی و کشور ترکیه را بنا نهاد، بلکه فراتر از آن هویتی را برای مردم تعریف کرد که بر اساس شش عنصر اصلی (شش پیکان) پایه‌ریزی شده بود که یکی از آن‌ها سکولاریسم است.

در این زمان یکی از مهم‌ترین مسائلی که به کمک او آمد؛ پیروزی وی در مقابل یونانیان بود. ارتش و آتاتورک در این نبرد توانستند با بازپس‌گیری بخشی از سرزمین‌های عثمانی، به اعتبار و آبروی ارزشمندی در میان مردم دست یابند. فرماندهان ارشد پیروز در جنگ همگی به مناصب مهمی در دولت آتاتورک دست یافتند و هسته مرکزی دولت در ترکیه نوین بر اساس رویکردهای نظامی این افراد پایه‌ریزی شد. در نتیجه ارتش به عنوان خاستگاه آتاتورک، خود را مسئول و قیّم ملت ترک می‌داند و سعی دارد تا کشور را بر اساس هویتی که او بنا نهاده پیش ببرد و در این مسیر هرگونه اقدامی را مشروع و قانونی می‌داند.

یکی از ویژگی‌های ارتش در ترکیه نفوذ بسیار زیاد و قدرت نرم است. در واقع ارتش با چنان هیبت و قدرتی در میان نخبگان مدنی و مردم به تصویر کشیده شده که در مواردی قرائت یک اعلامیه و حتی تقدیم یک یادداشت به بخش مدنی می‌توانست خواست ارتش را فراهم کند و دولت مدنی به راحتی سقوط می‌کرد. البته تنها موردی که دولت مدنی توانست ارتش را شکست دهد، کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ بود که یک استثنا به شمار می‌آید.

همچنین بدنه دولت پنهان در ترکیه نیز اغلب ماهیتی اطلاعاتی و نظامی دارند. درگیری‌های نظامی ترکیه و همچنین ورود این کشور به ناتو، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی را رشد داد که در دهه‌های بعد از آتاتورک به آرامی در شکل‌های گوناگون به بدنه دولت و حتی گروه‌های جنایتکار، تروریستی و گروه‌های کردی نفوذ کرده و ارتباطات میانشان، دولت پنهان را بیشتر از هر زمانی بر کشور مسلط ساخت. ارکان دولت پنهان در ترکیه بر اساس تعریف ارائه شده چنین است:

۴-۱. رکن اصلی و ستون دولت پنهان در ترکیه، ارتش است. ارتش در ترکیه به علت

ماهیت و جایگاهی که برای خود تعریف کرده، نیازمند یک ضدقهرمان بود. این ضدقهرمان در بیشتر تاریخ سیاسی جدید ترکیه کردها و خصوصاً گروه پ.ک.ک بوده است. ارتش با استفاده از ماهیت و اهداف این گروه و تحریکشان در جهت دفاع نظامی از خود همیشه بخشی از توجه مردم را به سمت خطر آن‌ها جلب می‌کند. ارتش همچنین مبارزه با کردها را به یکی از جلوه‌های قهرمانی خود تبدیل کرده است. در این راستا همیشه سعی کرده تا هر راهی را که برای مصالحه با گروه‌های مبارز کرد وجود داشته باشد از بین ببرد که مرگ ناگهانی و مشکوک اوزال یکی از نمونه‌های این مسئله است.

۲-۴. رکن دوم دولت پنهان در ترکیه نیروهای امنیتی هستند. افسران عالی‌رتبه و فاسد نیروهای امنیتی و پلیس چشم و گوش دولت پنهان در این کشور به حساب می‌آیند. این نهادها دو وظیفه را بر عهده دارند. اولین وظیفه کنترل سایر نیروهای رقیب دولت پنهان است. فهم تشکیلات و سازمان بندی، مهره‌های کلیدی و آگاهی از برنامه‌های گروه‌های مدنی مانند گروه‌های اسلام‌گرا و همچنین سایر دشمنان دولت پنهان مانند کردها از وظایف این رکن است. وظیفه دوم این نهادها، حمایت از ارکان دیگر دولت پنهان است و نیروهای امنیتی که فلسفه وجودیشان برخورد با قانون شکنی و فساد است، سایر ارکان دولت پنهان را از تعقیب قضایی دور نگه داشته و اطلاعات لازم را برای هر چه بهتر شدن برنامه‌هایشان در اختیار سایر ارکان دولت پنهان قرار می‌دهند. همچنین در مواقع لازم به پاکسازی‌های فیزیکی و یا اطلاعاتی دست می‌زنند.

۳-۴. رکن سوم دولت پنهان در ترکیه تجار فاسد، مافیا و گروه‌های فعال در جنایت‌های سازمان یافته هستند. گروه‌های جنایتکار در ترکیه رابطه‌ای بسیار پیچیده با نیروهای امنیتی دارند که واضح‌ترین نمود آن همانطور که اشاره شد حضور جاتلی (یکی از خلافکاران بزرگ ترکیه) در کنار کوکاداج افسر عالی رتبه پلیس است. علت قدرت مافیا در ترکیه بیشتر به ژئوپلیتیک این کشور بر می‌گردد. ترکیه برای گروه‌های تبهکاری قاچاق انسان، مواد مخدر، فحشا و... دروازه‌ای برای ورود به اروپا است و در کنار راه‌های آسیایی ترانزیت قاچاق، ساحل این کشور در دریای مدیترانه یکی از مسیرهای اصلی قاچاق انسان و آوارگان جنگ‌های کشورهای آفریقایی به شمار می‌آید (Fijnaut & Paoli, 2004).

۴-۴. نهادهای نظارتی ضعیف و فاسد: یکی دیگر از ارکان دولت پنهان نهادهای قضائی و نظارتی هستند که قدرت، توانایی و انگیزه لازم را برای مبارزه با فساد گسترده در سیستم

سیاسی ندارند. همچنین وجود افراد فاسد در این دستگاه‌ها یکی از ابزارهایی است که دولت پنهان را از شناسایی و تعقیب قضائی دور نگه می‌دارد.

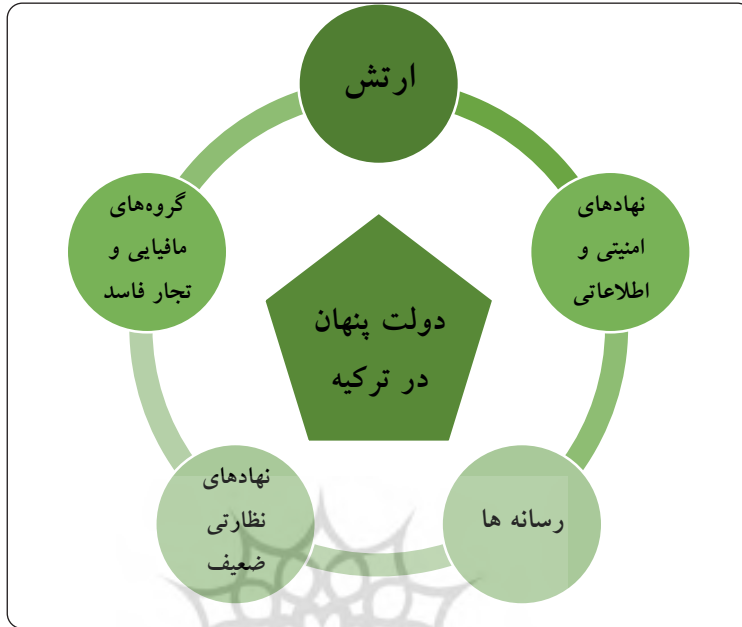
۴-۵. رسانه‌ها و نهادهای تبلیغاتی: دولت پنهان در ترکیه با در اختیار داشتن روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری و تلویزیونی سعی در اشاعه فرهنگ ارتش دوستی و حمایت دولت پنهان داشته و علیه گروه‌های مدنی تبلیغات می‌کنند. همچنین در مواقع لازم با تحریف شواهد و اطلاعات، سعی دارند تا حساسیت افکار عمومی نسبت به دولت پنهان و اقداماتش را از بین ببرند.

نکته‌ای که در رابطه با دولت پنهان در ترکیه باید مورد توجه قرار بگیرد این است که دولت پنهان در این کشور به علت مواجهه با گروه‌های مدنی بسیار محدود، بسته و مخفی باقی مانده است و حساسیت بسیار زیادی نسبت به افشا شدن روابط میان ارکان و نیروهای موثر خود دارد. بنابراین در صورتی که هویت یک فرد یا یک گروه در افکار عمومی افشا شود؛ سریعاً نسبت به قطع رابطه خود و اطمینان یافتن از امنیت اطلاعات و اسرارش اقدام می‌کند، زیرا که ابزار مخفی بودن برای دولت پنهان، حیاتی و بسیار مهم است.

همچنین چرخه قدرت در دولت پنهان ترکی بسیار گسترده و سریع است و تقریباً افراد کمی از دولت پنهان هستند که برای مدت طولانی در سمت خود باقی بمانند. به بیانی دیگر دولت پنهان ترکیه بیشتر سیستم محور (در مقابل فرد محور بودن) است. همچنین دولت پنهان ترکیه همیشه سعی دارد تا از درگیری مستقیم با امور روزمره سیاسی و دولتی شدن بپرهیزد و اوضاع کشور را از مقامی بالاتر از دولت ظاهری تحت نظر داشته باشد. در نتیجه تنها در مواردی خاص به عنوان مقامی بالاتر وارد عمل شده و دولتی را که از نظر او به مسیر خطا رفته است کنترل می‌کند. ابزار کلیدی این نهاد برای دخالت نیز مسئله‌ی (مصلحت نظام)^۱ است که جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ سیاسی ترکیه دارد. در نهایت می‌توان ارکان دولت پنهان در ترکیه را به صورت زیر نمایش داد که به حسب قدرت و جایگاه از بالا به پایین مشخص شده‌اند:

1. raison d'état

نمودار دولت پنهان در ترکیه



دولت پنهان در مصر

دولت پنهان در مصر بسیار نظامی محور است. ارتش و گروه‌های امنیتی بخش بزرگی از دولت و امکانات کشور را در اختیار دارند و با توجه به عملکردشان به کرات نشان داده‌اند که خود را پایبند به قانون اساسی کشور نمی‌دانند. به نحوی که ارتش را می‌توان رئیس دولت پنهان در مصر دانست. نظامی‌زدگی عرصه سیاسی در مصر، مهم‌ترین علت بقای دولت پنهان و ارتش در این کشور است. دولت پنهان در مصر دارای سه ویژگی منحصر به فرد است. اول این که این دولت بسیار صریح‌تر و قوی‌تر از بسیاری از نمونه‌های دیگر دولت پنهان عمل می‌کند. اگرچه دولت پنهان مصری اهداف و نیت خود و مسئولیت و کارکرد ارکانش را پنهان نگه داشته است، اما در واقع بخش مدنی آن چنان از عرصه سیاسی دور است و قدرت رسانه‌ای و نفوذ فرهنگی - اجتماعی ارتش آن، چنان در جامعه گسترده است که ارتش هیچ ترسی از دخالت علنی و به کارگیری مهره‌های مشهور خود در مصر ندارد. حتی گاهی دخالت‌های ارتش و انتصابات نظامیان در مناصب خاص در نزد مردم امری پسندیده به حساب می‌آید، زیرا که بخش بزرگی از جامعه مصری اعتقاد دارند هیچ گروهی مانند ارتش شایستگی لازم برای اداره امور را ندارد.

دومین ویژگی دولت پنهان انحصار و دایره بسته چرخه قدرت درون دولت پنهان است. بسیاری از مناصب در مصر به صورت مادام‌العمر هستند و چرخش نخبگان مصری بسیار کندتر از سایر نمونه‌هاست. برای روشن شدن این موضوع مثالی می‌زنیم: مصر از زمان انقلاب ژوئیه در سال ۱۹۵۲ تا کنون (سال ۲۰۲۱) یعنی طی حدود ۷۰ سال ۶ رئیس‌جمهور داشته است که از این شش نفر، دو نفر زیر یک سال حکومت داشته‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که عملاً در طول هفتاد سال، مصر توسط چهار رئیس‌جمهور اداره شده است. نحوه کنار رفتن هیچ یک از افراد نیز از طریق رای مردم نبوده است. ناصر به مرگ طبیعی، سادات با ترور و مبارک نیز از طریق اجبار ارتش به کناره‌گیری، عرصه قدرت را ترک کردند.

در صورتی که در یک حکومت با چرخه عادی قدرت مانند ایران و یا آمریکا، با طول دوره ریاست جمهوری چهارساله و ممنوعیت انتخاب یک نفر بیش از دو دوره پیاپی، سیستم سیاسی مصر به صورت طبیعی باید ۸ یا ۹ رئیس‌جمهور را تجربه می‌کرد. مقایسه این دو آمار نشان می‌دهد که چرخش نخبگانی در مصر تقریباً نصف سرعت کشورهای عادی است. ارتش برای ثابت نگه داشتن این سرعت، از دو ابزار کنترل و دخالت در نتایج انتخابات و تضعیف گروه‌های مدنی استفاده می‌کند.

سومین ویژگی دولت پنهان در مصر فردمحور بودن آن است. سیستم سیاسی مصر چه در زمان پادشاهی و چه در زمان جمهوری بر پایه افراد اداره می‌شد و گروه، تشکیلات و حزب نقش‌های فرعی و تزئینی داشتند. مدل دولت پنهان در مصر را می‌توان بر هفت پایه استوار دانست (امانی، ۱۳۹۷).

ارتش: رکن اصلی دولت پنهان در مصر ارتش است و بالاترین قدرت را در بین تمام نهادهای سیاسی داراست. این نهاد پس از کودتای ژوئیه تا کنون به یکی از بازیگران اصلی در مصر تبدیل شده است. ارتش در مصر علاوه بر قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و رسانه‌ای بسیار قوی دارد و همین مسئله این نهاد را حتی در میان ساختار درونی دولت پنهان نیز به بازیگری بی‌همتا تبدیل کرده است. ارتش مصر خود را مافوق قانون و حافظ کیان کشور دانسته و برای چنین مسئولیتی، خود را لزوماً تابع قوانین نمی‌داند.

نهادهای امنیتی و اطلاعاتی: نهادهای امنیتی و اطلاعاتی مصر، یکی از قوی‌ترین سرویس‌های امنیتی در بین کشورهای عربی هستند. این نهادها از زمان ناصر تا کنون بر محیط اجتماعی و سیاسی مصر سیطره و برای مدت طولانی اشراف تقریباً کاملی بر روی

تمامی گروه‌های مدنی و خارج از دولت پنهان داشته‌اند. تنها استثنای این سلطه انقلاب ۲۰۱۱ بود که به دلیل ناگهانی بودن شروع انقلاب و عدم وجود سازماندهی در حرکت مردم، نهادهای اطلاعاتی در کنترل این اعتراضات شکست خوردند.

باید اشاره کرد که جایگاه نهاد امنیتی و اطلاعاتی در حدی مهم و موثر است که در شرایط حساس انقلاب ۲۰۱۱، متن استعفای مبارک، توسط عمر سلیمان رئیس سازمان امنیت ملی مصر و معاون مبارک خوانده شد. عمر سلیمان از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۱ ریاست این سازمان مهم و کلیدی را بر عهده داشت. وی یک سال بعد از انقلاب در سال ۲۰۱۲ در آمریکا به طرز مشکوکی درگذشت و علت مرگ وی نیز سکنه قلبی عنوان شد.

پلیس: پلیس مصر دارای کادر بسیار گسترده بود و در مقطع انقلاب ۲۰۱۱ یک میلیون عضو داشت. تا کمی قبل از انقلاب سال ۲۰۱۱، پلیس دارای جایگاه بسیار ویژه‌ای بود و بسیاری از جوانان مصری به علت پرستیژ اجتماعی و اقتصادی پلیس تمایل داشتند تا در این سازمان استخدام شوند. اما این شرایط در ماه‌های منتهی به انقلاب تغییر کرد. اولین جرقه شروع تظاهرات‌ها در ژانویه ۲۰۱۱ در راستای اعتراض به خشونت‌های پلیس بود که در اثر این خشونت‌ها جوانی به نام خالد سعید کشته شد (Shafick, 2019). علاوه بر این موضوع، طی دوران انقلاب، با پاس کشیدن ارتش از دخالت در تظاهرات‌ها، بار تمام سرکوب‌های بازه ۱۸ روزه انقلاب بر دوش پلیس افتاد و به همین دلیل، با توجه برخوردهای خشن و در نهایت شکست دولت مبارک به تبع آن پلیس از مردم، جایگاه و اعتبار پلیس لطمه بسیاری دید.

نهادهای دینی: تقریباً برای تمامی مصریان اعم از سنی و قبطی دین جایگاه بسیار مهمی در زندگی دارد. به طور کلی جامعه‌ی مصر فارغ از نوع دین یا مذهب، دین‌گرا هستند و اعتقادات مذهبی بسیار قوی در جامعه وجود دارد. لذا به تبع آن رهبران دینی نیز در جایگاه خود نقش مهمی در مشروعیت نظام و همچنین مقبولیت آن دارند. در مصر، شیخ الازهر به عنوان بالاترین مقام دینی اهل سنت و پاپ کلیسای قبطی برای قبطیان دور رهبر قدرتمند دینی مصر هستند.

بسیاری از متفکرین معتقدند که انتخاب شیخ الازهر توسط رئیس‌جمهور از قدرت و استقلال عمل این مرکز دینی مهم کاسته است. در کنار مقام شیخ الازهر، به علت جمعیت

۱. از سال ۱۹۸۲ سه شیخ الازهر احمد الطیب شیخ فعلی، محمد سید طنطاوی شیخ سابق و جاد الحق علی جاد الحق شیخ اسبق توسط وزیر اوقاف و رئیس‌جمهور انتخاب شده‌اند.

قابل توجه قبطی در مصر، نهاد کلیسای قبطی نیز بازیگری بسیار مهم است. قبطیان برای سالیان طولانی طبق سنتی نانوخته در امور سیاسی دخالتی نمی‌کردند، اما به نظر می‌رسد پاپ تواضروس دوم، پاپ کنونی به این سنت بی‌توجه باشد. یکی از علل ورود قبطیان به سیاست را می‌توان رقابت قبطیان و مسلمانان دانست. در مصر رقابتی خاموش اما سنگین میان قبطیان و مسلمانان برقرار است و یکی از نمونه‌های بارز آن در مسئله رقابت بر سر ساخت مسجد و کلیسا است. بنابراین برای قبطیان پذیرفتن پیروزی و غلبه سیاسی اسلام‌گرایانی چون اخوان قابل تحمل نبود و این یکی از عواملی شد که قبطیان سنت دیرینه خود را شکستند و در عرصه سیاسی وارد شدند.

رسانه‌ها: از دیرباز رسانه‌های مصری یکی از قوی‌ترین و پرمخاطب‌ترین رسانه‌های عربی در سراسر منطقه بودند. برای مثال مصر دارای رسانه‌های بسیار مهمی چون الاهرام است که جایگاه و اعتبار زیادی در بین رسانه‌های عربی داراست. در کنار خبرگزاری‌ها، کانال‌ها و شبکه‌های بسیار متنوعی در مصر فعالیت می‌کنند که تمامی آن‌ها در دست افراد وفادار به ارتش و یا خود ارتشیان است. این شبکه‌ها نه تنها سلطه خبری را در اختیار خود دارند؛ بلکه برنامه‌های دیگر آن‌ها مانند فیلم‌ها، برنامه‌ها، طنزها و... نقش بسیار موثری در هدایت افکار عمومی مصر دارد که اغلب بدون سواد و تحصیلات هستند.

تجار و شرکت‌های بزرگ اقتصادی: رکن اقتصاد در دولت پنهان مصری شرایط ویژه‌ای دارد. تقریباً تمامی تجار بزرگ مصر، پیشرفت خود را مدیون همکاری با ارتش و دولت پنهان بوده‌اند. سلطه اقتصادی ارتش در کنار امتیازات انحصاری به تعداد محدودی از تجار، باعث شده است که اقتصاد مصر بیمار و بسیار بسته باشد. در کنار این‌ها، باید کمک‌های مالی مستقیم آمریکا به ارتش را نیز محاسبه کرد. دو درآمد مهم کشور یعنی درآمد حاصل از کانال سوئز که در اختیار دولت پنهان است و درآمد توریستی که در اختیار تجار بزرگ و بخش‌های دولتی است باعث شده تا سهم بخش خصوصی در اقتصاد مصر بسیار اندک باشد.

قوه قضائیه: قوه قضائیه در مصر اگرچه به ظاهر مستقل است، اما فساد و ناتوانی آن در میان کشورهای هم‌رتبه‌اش رکورددار است. این قوه پس از روی کار آمدن ارتشیان، همیشه در سایه قانون حالت اضطراری قرار داشته است. قانون حالت اضطراری در کنار حق ایجاد حکومت نظامی، به ارتش و گروه‌های امنیتی اجازه می‌دهد تا افراد را بدون اثبات حکمشان تا هر زمان که صلاح بداند بدون محاکمه زندانی کنند. این موضوع نقش فعال و دست برتر نهاد

قضائی را از آن گرفته است و این نهاد شکلی ظاهری و ابزاری را در سیستم سیاسی داراست. قانون حالت اضطراری در پارلمان سال ۲۰۱۲ لغو شد، اما پس از کودتا در سال ۲۰۱۳ دوباره به تصویب رسید. علاوه بر ضعف این قوه، فساد و انحراف از مسیر اصلی حقوق یعنی عدالت و احقاق حق، مسئله‌ای رایج در این رکن است. بهترین و واضح‌ترین نمونه‌ی آن در مقایسه‌ی میان دادگاه‌های مبارک و مرسی قابل مشاهده است.

نمودار ارکان دولت پنهان در مصر



وجه اشتراک و افتراق دولت پنهان در مصر و ترکیه

در این قسمت به اختصار وجه اشتراک و افتراق دولت پنهان در این دو کشور در شش محور ساختار کلی، نقش بخش‌های نظامی، اقتصادی، قضایی، جامعه و میزان عمل مخفیانه آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) مقایسه ساختار کلی دولت پنهان مصر و ترکیه:

- وجوه اشتراک: ۱. پیشینه تاریخی و فرهنگی - ۲. ادعای رهبری جهان اسلام - ۳. اخلاقیات و ایدئولوژی تقریباً مشابه موسسان هر دو نظام - ۴. شرایط مشابه آغاز به کار دولت جدید و مدرن - وجوه افتراق: ۱. توزیع درونی قدرت در دولت پنهان - ۲. میزان تشکیلاتی بودن - ۳. وسعت کادر و نیروهای فعال - ۴. چرخه قدرت

(ب) مقایسه نقش بخش نظامی در دولت پنهان مصر و ترکیه:

- وجوه اشتراک: ۱. نقش موثر ارتش در بنای دولت جدید - ۲. وجود دائمی تهدید و دشمن - ۳. ارتش، پاسدار کیان فکری و ساختاری کشور - ۴. خاصیت فرادولتی و فراقانونی ارتش در نظام سیاسی - ۵. اشراف اطلاعاتی گسترده نهادهای اطلاعاتی و امنیتی - وجوه افتراق: ۱. قدرت فعلی ارتش در نظام سیاسی و دولت پنهان - ۲. میزان ورود ارتش به عرصه اجرایی کشور و دولت آشکار

(ج) مقایسه نقش بخش اقتصادی در دولت پنهان مصر و ترکیه:

- وجه اشتراک: ۱. نقش تجار و شرکت‌های بزرگ - وجوه افتراق: ۱. میزان قدرت بخش خصوصی - ۲. قدرت مافیا و گروه‌های جنایتکار - ۳. ساختار اقتصاد کلان (رانتیر و غیر رانتیر) - ۴. میزان توزیع ثروت در طبقات اجتماعی

(د) مقایسه نقش بخش قضایی در دولت پنهان مصر و ترکیه:

- وجه اشتراک: ۱. فساد، ابزار اعمال قدرت دولت پنهان از طریق این بخش - وجوه افتراق: ۱. قدرت و استقلال قوه قضائیه و دادگاه‌ها - ۲. میزان تغییرات ایجاد شده در قانون اساسی و نتیجه‌ی این تغییرات به ضرر و یا به نفع دولت پنهان (ه) مقایسه نقش جامعه در دولت پنهان مصر و ترکیه:

- وجوه اشتراک: ۱. کانال‌های ارتباطی مشابه دولت پنهان برای ارتباط با جامعه - ۲. تقسیمات گروه‌های اجتماعی در جامعه

- وجوه افتراق: ۱. نوع سکولاریسم و نحوه برخورد با دین - ۲. آزادی و رقابت رسانه‌ای - ۳. نرخ سواد و آگاهی‌های اجتماعی - ۴. میزان سلامتی انتخابات‌ها

(و) مقایسه میزان سازمان‌دهی و عمل مخفیانه دولت پنهان مصر و ترکیه:

- وجوه افتراق: ۱. میزان عمل مخفیانه با توجه به داشتن (یا نداشتن) رقبای سیاسی - ۲. نحوه برخورد دولت پنهان با گروه‌های مدنی و میزان سهم گروه‌های مدنی از قدرت سیاسی کشور.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، باید به این نکته توجه داشت که دولت پنهان در خاورمیانه قدمتی تقریباً صد ساله دارد و چنان در بافت جامعه ریشه دوانده که پاکسازی دولت و کشور از آن کار آسانی نمی‌باشد. علاوه بر این دولت پنهان تقریباً تمامی ابزارهای قدرت را در اختیار خود دارد و گروه‌های مدنی از این حیث بسیار عقب‌تر هستند. در پاسخ به سوال اصلی مقاله ما پنج رکن اصلی برای دولت پنهان را نام بردیم و دو مدل از این نهاد را در کشورهای ترکیه و مصر بررسی کردیم.

یکی از تلاش‌های این مقاله روشن ساختن نقش دولت پنهان در تحولات سیاسی کشورهایی است که دارای چنین نهادی هستند و ما سعی داریم در این پژوهش راهنمایی هرچند ابتدایی برای شناخت و تشخیص علمی این نهاد را در سیستم‌های سیاسی و خصوصاً سیستم‌های سیاسی کشورهای خاورمیانه‌ای ارائه دهیم. یکی از نمونه‌های کاربرد چنین پژوهشی در بررسی تحولات سیاسی اخیر در کشورهای عربی است که نظریات بسیاری در مورد چرایی تبدیل بهار عربی یا خیزش اسلامی به زمستان عربی مطرح شده است. شاید یکی از مهم‌ترین علل آن یعنی وجود دولت پنهان خصوصاً در کشوری مانند مصر است که انقلاب ۲۵ ژانویه آن جایگاه بالایی در جریان بهار عربی دارد و وجود دولت پنهان در این کشور در بسیاری از این تحلیل‌ها نادیده گرفته می‌شود. لذا امید است توجه به این عنصر در جریان تحلیل‌های علمی بتواند برای فهم بهتر و ارائه تحلیل‌های واقع‌بینانه‌تر مورد استفاده قرار بگیرد.

منابع

- پورحسن، ناصر (۱۳۹۵). «(دولت عمیق) نظامیان و (کودتای جامعه‌ی مدنی)» در مصر (با تأکید بر تحولات سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵). فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۵۳-۷۲.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۴). اخوان المسلمین مصر و تجربه نظام سیاسی؛ از برآمدن حسن البنا تا برافتادن محمد مرسی. تهران: موسسه اندیشه سازان نور.
- کامروا، مهران (۱۳۹۱). خاورمیانه معاصر: تاریخ سیاسی پس از جنگ جهانی اول. ترجمه محمدباقر قالیباف و سید موسی پورموسوی. چاپ سوم. تهران: قومس.
- امانی، مجتبی (۱۳۹۷). الاخوان المسلمون و حکومت علی المصر. تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تهران.
- Fijnaut, Cyrille & Paoli, Letizia, (2004). Organised Crime in Europe. Netherlands: Springer.
- Filiu, Jean-Pierre, (2015). From Deep State to Islamic State ;The Arab Counter-Revolution and its Jihadi. New York :Oxford University Press.
- Frisch, Hillel, «(2013) The Egyptian Army and Egypt’s’ Spring .» Journal of Strategic Studies ,(2)36 3 ,Pp180-204.
- Hale, William, (1994) Turkish Politics and the Military. London :Routledge.
- Harb, Imad, «(2003) The Egyptian Military in Politics :Disengagement or Accommodation .» Middle East Journal ,(2) 57 .pp.269-290 .
- Kamrava, Mehran, (2005) The Modern Middle East. London :University of California Press
- Lofgren, Mike, (2016) .The Deep State :The Fall of the Constitution and the Rise of a Shadow Government .New York :VIKING.
- Priest, Dana & ,Arkin, William M, (2011) .Top Secret America :The Rise Of The New American Security State .New York :Little ,Brown and Company.
- Scott, Peter dale, (2015) The American deep state : Wall Street ,big oil ,and the attack on U.S .London ,UK :Rowman & Littlefield.

- Shafick ,Hesham« ,(2019) Acts of ignorance :how could Egypt's revolutionaries overlook a state massacre of +1000 protestors .»?Interface.35-62 ,(2)11 ,
- Söyler ,Mehtap« ,(2013) Informal institutions ,forms of state and democracy :the Turkish deep state .»Democratization.310-334 ,(20)2 ,
- Söyler ,Mehtap ,(2015) The Turkish Deep State .New York :Routledge.
- Waldner ,David ,(1999) State Building and Late Development .New York :Cornell Paperbacks.

